سؤال و جواب فلسفی

سبزواری، ملاهادی

در بین آثار و نوشتجات حکیم مشهور حاج ملا هادی اسرار سبزواری‏ که شرح حالش در شماره هشتم دوره اول«جلوه»چاپ گردید،یک نسخه خطی شامل چندین‏ سئوال و جواب فلسفی بدست آمده که نسخه خطی اصل در نزد آقای ضیاء الحق‏ حکیمی نواده پسری حاجی موجود است و آقای محمد علی دانشور رو نوشتی از آن‏ استنثاخ کرده است و اینک سئوالات مزبور با پاسخهائیکه حاجی داده و شامل‏ نکات و دقایق فلسفی است بشرح زیر درج میشود:

«جلوه»

\*\*\* سئوال اول-ماده مخلوقات اگر یکی بودی در اصل مبداء چرا سعادت در یک نفس و شقاوت در یک نفس جا گرفت؟

سئوال دوم-مرحوم مجلسی در کتابش ذکر کرده که خدا ایمان‏ را خلق کرد و بنظر رحمت در وی نگریست و کفر را آفرید و بنظر هیبت در وی‏ نگریست و گفت دشمن دارم کسی را که ترا قبول کند پس آفریدن کفر در حالتی که عاملش را دشمن داشت چه مصلحت است و حال آنکه در علمش‏ گذشته بود که بعد از آفریدن کفر آن را قبول خواهند نمود؟

سئوال سوم-در قرآن یاد نموده که

و لو شاء لهدیکم اجمعین

قدرت بر هدایت دارد،چرا هدایت نمیکند چه مصلت است بنده تواند هدایت کند نکند و آنرا بخود واگذارد پدر میداند که اگر طفل را در کنار آب بگذارد در آب می‏افتد پس چرا میگذارد؟

سئوال چهارم-خلقت حرام گوشت درنده و پرنده از چه شده؟

سئوال پنجم-فایدهء انسان از برای نفس جن و انس باید باشد چرا که مصالح والات این دو فرقه‏اند مکونات و اینها فایده باین دو فرقه‏ نمیدهند الا ضرر.

سئوال ششم-قدرت حکیم علی الاطلاق بر پاکیزه خلق کردن هست‏ از حیوانات ناطق و غیرناطق مجملا چرا بعضی مضر و موذی بعضی شوند و کثیف‏ خلق شوند و اللّه اعلم.

\*\*\*

جواب مرحوم حاجی ملا هادی سبزواری

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد اللّه رب العالمین و الصلوت و السلام علی محمد و آله الطیبین الطاهرین‏ و بعد بر آن برادر ایمانی پوشیده نیست که این مسائل از مهمات و معضلات‏ است و حقیر را مجالی نیست و لیکن رد آن برادر معظم هم بر این حقیر از مشکلات‏ است پس اگر اجمالی واقع شود معذور دارند.

اما آنکه فرموده بودند که ماده خلایق واحد یا متعدد است باید دانسته‏ شود که خلاف است که آیا عقول در اصل مختلف بوده‏اند یا متفق،اشاعره قائل‏ باختلافند و معتزله باتفاق و تحقیق در اصل طینت کل جمع است میان اختلاف و اتفاق و چون مهما امکن بر هرچیز برهان«لم»باید اقامه نمود،س آغاز را باید رسید و باید دانست دکه حق سبحانه و تعالی واحد بالممی و کثیر بالاسماء را بهزار و نحو آن تحدید نموده‏اند و اما جزئیات حد و حصر ندارد مثلا مصور کلی یک‏ اسم است و لیکن منشعب میشود بصور گل و خار و نور و نار و مور و مار و غیر اینها و باز بمصور این کل و مصور آن گل و هکذا.پس همچنین مهیات اشیاء در حضرت ربوبیه و ذره اول بحسب مفهوم کثیر بودند و بحسب وجود واحد بلکه‏ موجودند بهمان وجود اسماء چنانچه اسماء جنسی موجود بودند بوجود سمی‏ و نیکو فرموده‏اند عرفاء شامخین که سبحان من ربط الوحدة بالوحدة و الکثرة بالکثرة یعنی وحدة مهیات و تعینات در مقام وجودشان و بعبارت اخری باعتبار جهت نورانیه ناشی شده است از وحدت مسمی و وجود آن و کثرت مهیات در مقام‏ مفاهیم و عقلیه ایشان و بعبارت اخری باعتبار جهت ظلمانیه ناشی شده است از کثرت اسماء زیرا که چنانچه مفهوم عالم دانا و قادر توانا و هکذا باقی- الاسماء کل متخالفند بخصوص اسماء جمالیه و جلالیه و لطیفه و قهریه و همچنانکه‏ اسماء حق همه موجودند بیک وجود که آن وجود ذات است و اسم عین مسمی‏ است و صفت عین ذات است همچنین مهیات همه موجود بودند بیک وجود بخصوص‏ در ذره اول و هیئت اولی که از خود وجود نداشتند بلکه بوجود اسماء موجود بودند چون لوازم غیر متأخر در وجود طین7ماء و تراب میخواهد.وجود ماء حیات طنیتشان بود و مهیات و تعینات ترابشان بود چون اینها معلوم شد پس اگر بگوئی طینتها واحد بودند باعتبار وجود رواست و اگر بگوئی مختلف بودند باعتبار مهیات لوازم اسماء متقابلة المفاهیم هم راست گفته باشی پس مانند شیریست‏ که واحد است و بمجاورت ماست و پنیر مایه ماست و پنیر میشود.